



آیا نیمه شعبان ليله قدر اهل بیت است؟ گفتاری از آیت الله جوادی آملی

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیالی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب های قدر فرموده اند که «فَاتَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَّا يَرِدُ سَائِلًا لَهَا فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَهُ.»

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیالی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب های قدر فرموده اند که «فَاتَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَّا يَرِدُ سَائِلًا لَهَا فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَهُ.» پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: به گزارش شفقنا، حضرت ولی عصر(عج) و آخرین حجت الهی که خیر اهل الارض زمان ماست، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ق) چشم به جهان گشودند و این شب مبارک که میلاد موفور السرور آن حضرت است، احتمال دارد شب قدر نیز باشد، همان گونه که به برخی اعمال لیالی قدر در این شب نیز سفارش گردیده است.

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیالی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب های قدر فرموده اند که «فَاتَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَّا يَرِدُ سَائِلًا لَهَا فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَهُ.»

در فضیلت شب نیمه شعبان نیز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند در شب نیمه شعبان به اندازه ریگ های زمین و موی گوسفندان بندگانش را می آمرزد؛ این سخن، کنایه از فراوانی آمرزیده شدگان در این شب مبارک است.

کلام نورانی دیگری از امام صادق(علیه السلام) نشان می دهد نیمه شعبان نیز در حدّ خویش، شب قدر و واجد یکی از درجات تقدیر امور است. ایشان در برابری این سنت با لیالی مبارکه قدر فرمود: «أَتَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِذْنِهِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّنَا صَلي الله عليه وآله وَسَلَّمَ» همان طور که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شب قدر مرحمت فرمود، به ما اهل بیت نیز نیمه شعبان را عطا کرد.

حضرت آیت الله جوادی آملی درباره راز همتایی ليله میلاد امام زمان(عج) با شب قدر بیان داشتند که: «امام باقر(علیه السلام) در پاسخ پرسشی درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که با فضیلت ترین شب پس از ليله القدر شب نیمه شعبان است که خداوند در این شب فضل خویش را بر بندگانش ارزانی می دارد و با من و کرم خود آنان را می آمرزد، پس برای نزدیکی به خدای سبحان در این شب بکوشید چون خداوند سوگند یاد کرده است که هیچ سائلی را تا وقتی که امر ناپسند و گناهی نخواست است محروم نگرداند.»

انسان کامل معصوم که مصادیق منحصر آن عترت طاهره اند عدل و همتای قرآن حکیم است و براساس حدیث متواتر تقلین به هیچ وجه از یکدیگر جدایی نمی پذیرند. قرآن تجلی کتاب تدوینی خدا و انسان کامل معصوم تجلی کتاب تکوینی اوست. همان طور که با نزول قرآن در ظرف زمانی معین، آن ظرف معهود، قدر یافته و شب قدر می شود، با تجلی امام معصوم و تنزلیش از مخزن غیب الهی در ظرف زمان معین، آن ظرف شخصی قدر پیدا می کند و شب قدر می شود، زیرا هرچند ممکن است زمان و زمین به واسطه صدورشان از منبع غیب الهی حظی از قداست داشته باشند؛ اما آنچه مایه شرافت زمان است همانا متمم آن و آنچه مایه فخر مکان است همانا متمم آن است.

بر طبق این بیان جامع، میلاد ولی معصومی که معادل قرآن مجید است، حقیقت او و نبوت یا امامت او مستلزم شب قدر شدن خواهد بود. و بر همین اساس آنچه درباره حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا(س) و نیز درباره میلاد حضرت خاتم الاولیاء(عج) مبنی بر تطابق حقیقت آن ذوات مبارک با ليله القدر یا معرفی میلاد آنان به عنوان شب قدر مطرح می گردد، از سنخ تمثیل است نه تعیین، همچنان که در دعای شب مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخن از جریان تجلی اعظم به میان می آید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ وَالْمُرْسَلِ الْمَكْرَمِ.

روایات معصومان(علیهم السلام) نیز گویای تبیین پیوند ناگسستنی قرآن و عترت اند و همسو با حدیث تقلین، گواه جدایی ناپذیری این دو حقیقت و احکام آن ها از یکدیگرند. همین پیوستگی در مقام معرفت نیز جریان دارد. ائمه(علیهم السلام) برای معرفی خود از قرآن کمک می گیرند و برای شناساندن قرآن از حقیقت خودشان سخن می گویند، زیرا هیچ یک را بی دیگری نمی توان شناخت.

از آنجا که حضرت خاتم الاوصیاء حجه بن الحسن المهدی(عج) عصاره فضائل اهل بیت وحی(ع) بلکه تمام انسان های کامل است، ظرف زمانی تجلی او از مخزن غیب الهی در نشئه مُلک در میان سایر ایام مبارک و موالید حجج الهی(علیهم السلام) برجستگی خاص و ویژه ای یافته است که در پرتو آن همطراز لیالی قدر، بلکه شبی از شب های محتمل قدر به شمار می آید.

گویا در عصر ما که زمان ولایت آن آخرین ولی معصوم است، مقدرات عالم در مراتبی رقم می خورد که از شب میلاد آن حضرت در نیمه شعبان آغاز گردیده و در شب های ماه مبارک رمضان یکی پس از دیگری تثبیت می شود.

نیمه شعبان ليله قدر اهل بیت(علیهم السلام)

با تولد ولی خدا بهترین برکات بهره مردم می گردد، زیرا او خیر اهل الأرض [۱] است و اثر وجودی بهترین انسان زمین تمام زمین و ساکنانش را بهره مند می سازد. ولی عصر(عج) و آخرین حجّت الهی که خیر اهل الارض زمان ماست، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه. ق) چشم به جهان گشودند و این شب مبارک که میلاد موفور السرور آن حضرت است، احتمال دارد شب قدر نیز باشد، همان گونه که به برخی اعمال لیالی قدر در این شب نیز سفارش گردیده است. [۲]

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیالی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب های قدر فرموده اند که فإتّها ليله ألى الله على نفسه الا یردّ سائلاً له فيها ما لم یسأل معصیه. [۳] در فضیلت شب نیمه شعبان نیز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند در شب نیمه شعبان به اندازه موی گوسفندان قبیله بنی کلب بندگان را می آمرزد؛ یغفر الله ليله النصف من شعبان من خلقه بقدر شعر معزی بنی کلب [۴] و این سخن، کنایه از فراوانی آمرزیده شدگان در آن شب مبارک است.

کلام نورانی دیگری از امام صادق(علیه السلام) نشان می دهد نیمه شعبان نیز در حدّ خویش، شب قدر و واجد یکی از درجات تقدیر امور است. ایشان در برابری این سنت با لیالی مبارکه قدر فرمود: ائّها اللیله التی جعلها الله لنا أهل البیت یازاء ما جعل ليله القدر لنبیناصلى الله علیه و آله و سلم [۵]؛ همان طور که خداوند به پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم شب قدر مرحمت فرمود، به ما اهل بیت نیز نیمه شعبان را عطا کرد.

امام باقر(علیه السلام) در پاسخ پرسشی درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که با فضیلت ترین شب پس از ليله القدر شب نیمه شعبان است که خداوند در این شب فضل خویش را بر بندگان ارزانی می دارد و با منّ و کرم خود آنان را می آمرزد، پس برای نزدیکی به خدای سبحان در این شب بکوشید چون خداوند سوگند یاد کرده است که هیچ سائلی را تا وقتی که امر ناپسند و گناهی نخواست است محروم نگرداند؛ هی أفضل ليله بعد ليله القدر؛ فیها یمنح الله تعالى العباد فضله و یغفر لهم بمّنه. فاجتهدوا فى القرية إلی الله (تعالی) فیها، فإتّها ليله ألى الله تعالى على نفسه ألا یردّ سائلاً له فیها، ما لم یسئل معصیه وhellip؛ فاجتهدوا فى الدعاء و الثناء على الله (عزّ وجلّ). [۶]

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز شب نیمه شعبان به عایشه فرمود که در نیمه شعبان اجل ها نوشته و ارزاق قسمت می گردد و خدای عزّ وجلّ در این شب بیش از موهای بزهای قبیله بنی کلب، بندگان را می آمرزد و فرشتگان را به آسمان دنیا و از آنجا به زمین نازل می کند و در این نزول ابتدا در مکه فرود می آیند؛ اما تعلمین أی ليله هذه؟ إنّ هذه اللیله ليله النصف من شعبان؛ فیها یکتب اجال و فیها تقسم أرزاق و إنّ الله (عزّوجلّ) لیغفر فی هذه اللیله من خلقه أكثر من عدد شعر معزی بنی کلب و ینزل الله (عزّوجلّ) ملائکه إلی السماء الدنيا و إلی الأرض بمکه. [۷]

راز همتایی ليله میلاد امام زمان(عج) با شب قدر

انسان کامل معصوم که مصادیق منحصر آن عترت طاهره اند عدل و همتای قرآن حکیم است و براساس حدیث متواتر ثقلین به هیچ وجه از یکدیگر جدایی نمی پذیرند. قرآن تجلی کتاب تدوینی خدا و انسان کامل معصوم تجلی کتاب تکوینی اوست. همان طور که با نزول قرآن در ظرف زمانی معین، آن ظرف معهود، قدر یافته و شب قدر می شود، با تجلی امام معصوم و تنزلش از مخزن غیب الهی در ظرف زمان معین، آن ظرف شخصی قدر پیدا می کند و شب قدر می شود، زیرا هرچند ممکن است زمان و زمین به واسطه صدورشان از منبع غیب الهی حظّی از قداست داشته باشند؛ اما آنچه مایه شرافت زمان است همانا متمزّن و آنچه مایه فخر مکان است همانا متمکن است.

بر طبق این بیان جامع، میلاد ولی معصومی که گوّن جامع و معادل قرآن مجید است، حقیقت او و نبوّت یا امامت او مستلزم شب قدر شدن خواهد بود. و برهمن اساس آنچه درباره حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا(علیها السلام) و نیز درباره میلاد حضرت خاتم الاولیاء(عج) مبنی بر تطابق حقیقت آن ذوات مبارک با ليله القدر یا معرفی میلاد آنان به عنوان

شب قدر مطرح می گردد، از سنخ تمثیل است نه تعیین، همچنان که در دعای شب مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخن از جریان تجلی اعظم به میان می آید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمَعْظَمِ وَالْمُرْسَلِ الْمَكْرَمِ. [۸]

روایات معصومان (علیهم السلام) نیز گویای تبیین پیوند ناگسستنی قرآن و عترت اند و همسو با حدیث ثقلین، گواه جدایی ناپذیری این دو حقیقت و احکام آن ها از یکدیگرند. همین پیوستگی در مقام معرفت نیز جریان دارد. ائمه (علیهم السلام) برای معرفی خود از قرآن کمک می گیرند و برای شناساندن قرآن از حقیقت خودشان سخن می گویند، زیرا هیچ یک را بی دیگری نمی توان شناخت.

از آنجا که حضرت خاتم الاوصیاء حجه بن الحسن المهدی (عج) عصاره فضائل اهل بیت وحی (علیهم السلام) بلکه تمام انسان های کامل است، ظرف زمانی تجلی او از مخزن غیب الهی در نشئه ملک در میان سایر ایام مبارک و موالید حجج الهی (علیهم السلام) برجستگی خاص و ویژه ای یافته است که در پرتو آن همطراز لیالی قدر، بلکه شبی از شب های محتمل قدر به شمار می آید.

گویا در عصر ما که زمان ولایت آن آخرین ولی معصوم است، مقدرات عالم در مراتبی رقم می خورد که از شب میلاد آن حضرت در نیمه شعبان آغاز گردیده و در شب های ماه مبارک رمضان یکی پس از دیگری تثبیت می شود.

عید میلاد امام عصر (عج)

قرآن کریم بزرگداشت و گرامیداشت آیات خدا را از نشانه های تقوای قلوب و صفات متقیان می داند: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شَعْبَرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَفَوُّقِ الْقُلُوبِ﴾ [۹] و وجود گرامی امام معصوم از برترین آیات، نشانه ها و شعائر آن ذوات قدسی الهی است و تکریم و بزرگداشت در ایام میلاد یا شهادت، مصداق تعظیم شعائر خدای سبحان است؛ اما در بزرگداشت ائمه هدایت به ویژه امام عصر (عج) کاری شایسته انجام است که در پرتو آن، کشور امام زمان (عج) تا ظهور حضرتش به قدر امکان از خطرها مصون بماند.

برخی از اعمال که در این اعیاد شریف صورت می پذیرد، مانند تهیه کیک های بزرگ، چراغانی های زیبا و شادباش گفتن، در برخی موارد کاملاً بی ارتباط به میلاد شریف عصاره هستی است، به گونه ای که در چین کمونیست، ژاپن یا سایر ممالک الحادی و در عیدهای موهوم و بی اساسی که هیچ بهره ای از حقیقت ندارند، این اعمال انجام می شود، در حالی که باید این جشن های بزرگ و ایام خجسته را به برنامه ها و اعمالی زینت داد که با مولود آن عید پیوند داشته باشند و چون از دستاوردهای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عج) بلوغ عقول انسان ها و کشف گنجینه های فهم بشر است، در چنین روزهایی خجسته سزاست به اموری پرداخته شود که رشد و تکامل فهم و عقل انسان ها و منتظران آن حضرت را تأمین می کند. آنجا که تلاش برای فهم و رشد عقل صورت می گیرد، شایسته بزرگداشت عید میلاد حجه بن الحسن (علیه السلام) و جایگاه اهل انتظار است.

مفسر بزرگ قرآن مرفوم داشتند: هیچ تردیدی در ظهور موفور السرور امام عصر (عج) نیست و عالم همه در انتظار ظهور ایشان به سر می برند؛ اما یکی از معانی ظهور یا لازم معنای آن، پیروزی است چنان که یکی از بارزترین مصادیق «امر الله» همان دین الهی است. انگیزه نهایی بعثت پیامبران، پیروزی دین خدا بر تمام مکتب های باطل یا منسوخ است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» و مهم ترین عامل تحقق چنین هدفی، رهبری انسان های کامل معصوم به ویژه وجود مبارک حضرت مهدی (عج) است، زیرا آن حضرت با تأیید خاص خدا و در ظلّ زمینه سازی معصومان پیشین که همه آنان المستقرین فی أمر الله هستند و شکوفایی خردورزی و عقلگرایی مردم از یکسو و بالندگی عدالت پروری جامعه از دیگر سو موفق می شود امر خدا و دین او را اظهار و بر سایر آراء و مکاتب برتری بخشد و در پرتو غلبه فکری و فرهنگی سایر پیروزی ها را به دست آورد و همان طور که در مقطعی محدود و در سایه عنایت ویژه خدای سبحان، پیروان راستین حضرت مسیح (ع) بر کافران، پیروز شدند: قَائِدَاتَا الدِّينِ ءَأَمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِحُوا ظَهْرِينَ لِأُمَّةٍ كُلِّهَا لِمَا فَعَلَتِ الْأَعْمَالُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ جهان نیز صلح و عدل مبسوط الهی پیش بینی شده است که وجود مبارک حضرت بقیه الله (عج) که خاتم اوصیا و عصاره همه ذوات مقدس قبلی است، عهده دار تأمین و اظهار آن است.

وظایف شخصی منتظران

روشن است هر منتظری باید اهل پیوند با خداوند بزرگ باشد و ضمن درخواست روزی در ابعاد ذیل، برای درونی کردن و استقرار این صفات در خویش تلاش کند:

أ. توفیق طاعت: منتظر راستین هم اهل اطاعت خدا، پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) است و هم توفیق چنین فرمانبری را همواره از خدای سبحان می خواهد: اللهم ارزقنا توفیق الطاعة.

ب. دوری از معصیت: گناهان، موانع مسیر حرکت به سوی خدا و مهم ترین عامل سقوط انسان اند، از همین رو منتظر حقیقی امام عصر(عج) باید ضمن درخواست توفیق الهی در ترک گناهان، سعی بلیغ خویش را در تحقق چنین صفتی به کار گیرد. گفتنی است گناهان، هرچند به کوچک و بزرگ (صغیره و کبیره) قسمت شده اند، هر نافرمانی خدای متعالی گناهی بزرگ است: و يُعدّ المَعصیه.

ج. نیت خالصانه: اصلاح انگیزه اعمال (نیت) و خلوص هرچه بیشتر از هر شائبه شرک و ریا در جمیع مراتبش، به گونه ای که چیزی جز اطاعت امر الهی و انجام دادن آنچه موجب رضای حق است در نیت انسان سهم نداشته باشد، از وظایف اهل انتظار است: و صدق النیه.

د. شناخت محرّمات الهی: ترک معاصی، شدنی نیست مگر با شناخت چیزهایی که خداوند سبحان با حکمت بالغه اش بر بندگانش حرام کرده است. و چون حرام یعنی آنچه دریدن پرده آن روا نیست خواه آن چیز، حق باشد یا دین و یا قانون و یا...; منتظری که محرّمات الهی را نشناسد و حریم آن را پاس ندارد، چه بسا به شکستن حریم آن ها گرفتار آید، از این رو شناختن محرّمات الهی ضروری است: و عرفان الخُرّمه.

. انسانی که در انتظار کریم ترین انسان های عصرش به سر می برد، بایسته است که از خداوند کریم اعطا و ازدیاد و حفظ کرامت خود را در اسباب کرامت طلب کند و خویش هم در تحقق آن خواسته از پای ننشیند.

أ. درخواست هدایت تکوینی خاص: آنچه مایه کرامت جان آدمی است، هدایت یافتن به نور دین الهی و حفظ تقوا است. آنان که به مسیر اطاعت او هدایت نشوند، در سیاهی جهالت ها و انحراف ها سرگردان و از کرامت الهی انسان محروم خواهند شد. بر انسان منتظر است که با تلاش علمی و جهد عملی، زمینه افاضه هدایت تکوین را در خویش هر لحظه پرورش دهد: واکرّمنا بالهدی.

ب. درخواست استقامت در مسیر هدایت: بسا کسانی که از هدایت الهی بهره مندند؛ اما پس از اندک زمانی با غفلت از حق و روی آوردن به هوا و امیال خویش از جاده هدایت به بیراهه ضلالت افتادند و نور هدایتشان را در شب دیجور گمراهی خاموش کردند، پس بر منتظران راستین بایسته است که در مسیر هدایتی که خدای سبحان آن ها را به آن رهنمون شده است استقامت ورزند و با تمسک به علم و ایمان از هر اعوجاجی دوری جویند تا مشمول هدایت های برتر که محصول استقامت در مسیر هدایت است باشند؛ والاستقامه.

زبان، ترجمان عقل و اندیشه انسان است، از این رو توفیق نیک گفتاری زبان صیانت از آن برای اهل انتظار ضروری است. طبق آموزه های این دعای شریف، منتظران راستین می باید با توجه به آنچه در پی می آید در صیانت زبان خویش کوشا باشند:

أ. سخن صائب گفتن: منتظر راستین آن حضرت می باید جز از سر راستی سخن نگوید و گفتار غیر صائب را (به جدّ یا به هزل) وا نهد: و سدّد السنن بالبصواب.

ب. حکیمانه سخن گفتن: گفتن سخنان بی محتوا و بی فایده که نه در امر دین سودی می بخشند و نه در کار دنیا، کاری حکیمانه نیست. آنچه حکیمانه نیست لغو است و اهل ایمان از لغو اعراض می کنند. بر همین اساس بر اهل انتظار شایسته است که حکیمانه سخن بگویند و زبان را از سخنان لغو صیانت کنند: والحکمه.

قلب انسان منتظر، ظرف مبارکی است که هر مظلومی شایسته آن نیست. در این دعای شریف هم مظلوف شایسته قلب مؤمن معرفی و هم وظیفه منتظران راستین در این موضوع بازگو شده است:

أ. کسب نور علم: اکتساب علم و خروج از سیاهی نادانی، وظیفه منتظران ظهور امام عصر(عج) است و چون علوم اکتسابی بی تعلیم و تعلّم به دست نمی آیند، از این رو تعلیم و تعلم و تلاش در جهت کسب علم حصولی و نیز تهذیب دل برای ادراک حقایق با علم حضوری، وظیفه هر مسلمان منتظری شمرده شده است.

ب. کسب نور معرفت: معرفت اخصّ از علم است و به علمی اطلاق می شود که با تمییز کامل معروف از غیر خود و

ادراک خصوصیات آن همراه است. بر منتظران راستین است که به اکتساب علم بسنده نکنند و با عمق بخشیدن به گستره علوم به کسب معرفت نایل آیند، که هر معرفتی علم هست؛ اما هر علمی معرفت نیست.

منبع: برگرفته از کتاب مهدی موعود موجود تالیف حضرت آیه الله العظمی جوادى آملی، صفحات ۶۲ و ۶۳.

پاورقی:

- [۱] - الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷.
- [۲] - ر.ک: اقبال الاعمال، ص ۲۱۴.
- [۳] - الامالی، طوسی، ص ۲۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶.
- [۴] - فضائل الأشهر الثلاثه؛ ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۶.
- [۵] - الامالی، طوسی، ص ۲۹۷؛ مصباح المتهدد، ص ۷۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۵.
- [۶] - الامالی، طوسی، ص ۲۹۷.
- [۷] - فضائل الأشهر الثلاثه، ص ۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۹.
- [۸] - البلد الامین، ص ۱۸۲.
- [۹] - سوره حج، آیه ۳۲